روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۱۶ شوال ۱۴۴۳ • ۱۸ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۸۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۵
اذان صبح فردا ۴:۱۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

روزنامه شرق

• طبق اعلام هواشناسی کشور، در استان‌های لرستان، خوزستان، بوشهر، ایلام، مرکزی، همدان و تهران گردوخاک وجود دارد.
عکس: افسانه جعفری، باشگاه خبرنگاران جوان

دیالوگ روز

پری - داریوش مهرجوی - ۱۳۷۳

صفا (خسرو شکیبایی):

آدم افتاده باشه زیر تپه، با گلوی پاره‌پاره و همین‌طور ذره‌ذره خون ازش بره تا تموم کنه؛

و اگه چند تا زن و بچه دهاتی با کوزه رو سرشون بیان رد شن، آدم باید بتونه نیم‌خیز بشه، سرش رو برگردونه تا ببینه چطوری زن‌ها کوزه‌ها رو سالم به بالای تپه می‌رسونن

حقوق‌خوانی

دستورالعملی برای وصول مطالبات

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

فردی که از دیگری طلب مالی دارد و حق خود را پایمال‌شده می‌داند، با ورود به دادگستری فراز و فرود طولانی را پشت سر خواهد گذاشت: در ابتدا برای ثبت‌نام در سامانه قوه قضائیه (ثنا) نیاز است به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک مراجعه کند، سپس دادخواست خود را ثبت کند تا به یکی از شعب بدوی (نخستین) جهت رسیدگی ارجاع شود. به طور معمول در شهرهای بزرگی مانند تهران اوقات رسیدگی به دلیل حجم بالای ورودی پرونده طولانی خواهد بود و این مدت گاهی تا شش ماه به درازا می‌کشد. بر فرض که دادرسی با برگزاری یک جلسه رسیدگی پایان یابد و نیاز به انجام کارشناسی توسط کارشناسان رسمی دادگستری نباشد و به نفع مدعی هم حکم صادر شود؛ اما کار در همین جا برای محکوم‌له (دادبرده) به پایان نمی‌رسد و در اکثریت قریب به اتفاق موارد محکوم‌علیه (دادباخته) در مهلت ۲۰روزه‌ای که قانون پیش‌بینی کرده به حکم اعتراض می‌کند. حالا پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود (البته اگر مرجع صادرکننده رأی شورای حل اختلاف باشد، پرونده جهت رسیدگی به اعتراض به دادگاه عمومی فرستاده خواهد شد) که به دلیل گستره استانی این مرجع و تعداد بالای پرونده ممکن است تعیین تکلیف حتی یک سال طول بکشد. با تأیید رأی پرونده به دادگاه بدوی برمی‌گردد تا فرایند اجرا شروع شود.

کمتر اتفاق می‌افتد که پس از ابلاغ اجرائیه به محکوم‌علیه، او به اجرای حکم همت گمارد یا در این مرحله با طرف مقابل به توافقی برسند. در این وضعیت پرونده اجرائی تشکیل و اجرای احکام وارد عمل می‌شود. دو قانون مادر در این زمینه یکی «قانون اجرای احکام مدنی» (۱۳۵۶) و دیگری «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» (۱۳۹۴) است که سازوکار اجرا را تعیین می‌کنند. محکوم‌علیه که توان پرداخت ندارد یا به هر دلیل نمی‌خواهد دین خود را ادا کند از همه ظرفیت‌های این دو قانون برای فرار از پرداخت استفاده می‌کند. اولین راه ادعای «اعسار» است؛ ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی معسر را این‌گونه تعریف می‌کند: «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد». این ادعا از طریق ثبت دادخواست اعسار انجام می‌شود که رسیدگی به آن در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر خود مهلتی برای عدم اجرای فوری حکم است. فرض کنیم در نهایت این دادخواست رد شود و دادگاه اعطای مهلت و تقسیط دین را نپذیرد، اینجا محکوم‌له باید به دنبال شناسایی اموال محکوم‌له، توقیف، فروش از طریق مزایده و در نهایت تملیک رود. به طور معمول دادورز اجرای احکام سه استعلام بابت شناسایی خودرو، املاک و حساب‌های بانکی انجام می‌دهد که هرچند از طریق سامانه برای مراجع مربوطه ارسال می‌شود، پیگیری آن نیازمند مراجعه حضوری محکوم‌له خواهد بود. حالا اگر مالی یافت نشد تکلیف چیست؟ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی دو راهکار دارد؛ در ماده ۳ صدور حکم جلب برای بازداشت پیش‌بینی شده است: «اگر استیفای محکوم‌له از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود» و مطابق ماده ۲۲ امکان ممنوع‌الخروجی مدیون وجود دارد: «مرجع اجراکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است».

اما باز کار به اینجا ختم نمی‌شود. با توجه به شرایط اقتصادی امکان سفر خارجی افراد کاهش یافته و ممکن است فرد اساسا تمایلی به خروج از کشور نداشته باشد. از سوی دیگر فرد بدهکار که قصد پرداخت دین خود را ندارد به قول معروف خود را «آفتابی نمی‌کند» تا دستگیر شود؛ حالا طلبکار باید با در دست داشتن حکم جلب به دنبال نشان یا نشانی از طرف باشد تا او را بیابد و با همکاری کلانتری بازداشت کند. خود هماهنگ‌شدن با کلانتری معضل بزرگی است که نیازمند نوشتن یادداشتی جداگانه است! در ۲۲ مهر ۱۳۹۷ دستورالعملی تحت عنوان «ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی» به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید که فلسفه آن تعیین تکلیف سریع‌تر پرونده‌ها در مرحله اجراست. در ماده ۱۸ به منظور ساماندهی اجرای احکام مدنی، وظایفی برای مرکز آمار و فناوری قوه قضائیه در هشت بند پیش‌بینی شده که در بند «ح» آمده است: «ایجاد ظرفیت جهت ممنوع‌الخدمات‌کردن و انسداد حساب محکومان مالی موضوع مواد ۱۷ و ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی». اجرای این بند به این معناست که از طریق نامه‌ای که دادگستری خطاب به ثبت احوال صادر می‌کند، محکوم‌علیه از دریافت کلیه خدمات محروم و شماره ملی او مسدود (بلاک) می‌شود. دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد: گروهی محرومیت از دریافت خدمات اجتماعی را خلاف حقوق شهروندی افراد می‌دانند و دسته‌ای دیگر این روش را تنها ابزار وصول دین تلقی می‌کنند و با آن موافق‌اند. به نظر می‌رسد پیش‌بینی ممنوع‌الخدمات‌کردن محکوم‌علیه هرچند راهکار مناسبی برای احقاق حق دادبرده است، ولی بهتر است موضوع به جای دستورالعمل در قالب قانون پیش‌بینی و مصادیق آن محدود به موارد خاصی شود.

۶۰ سال و مسائل هنوز حل‌نشده

حسین ایمانی جاجرمی

در سال ۱۳۴۱ هم‌زمان با سیل ویرانگری که خرابی‌های زیادی در جنوب شهر تهران به بار می‌آورد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در اردیبهشت سمیناری شش‌روزه را با نام «نخستین سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران» برگزار می‌کند. به گمان از اولین سمینارهای تحقیقاتی در ایران است و یک کار دسته‌جمعی درباره شهر تهران با حضور مقاماتی از دولت، اتحادیه شهرداری‌ها، شهرداری تهران، دانشگاه تهران و حتی افرادی همچون شهردار جوادیه و نمایندگانی از انجمن محله بهجت‌آباد. مؤسسه پس از چند سال کار در زمینه مسائل تهران، از تمام مسئولان دعوت می‌کند تا مسائل اجتماعی تهران را برای آنها طرح کنند و آنها هم این فرصت را دارند تا از مشکلات و مسائلشان بگویند.

دکتر علی‌اکبر سیاسی، رئیس وقت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که مؤسسه وابسته به آن است، در سخنرانی افتتاحیه سمینار در بخشی از سخنان خود می‌گوید: «باری هرکس که در تهران زندگی می‌کند، چنین می‌پندارد که از مسائل مهم این شهر، مانند وضع آب، برق، تلفن، ساختمان‌ها، خدمات عمومی و اجتماعی و جز آن آگاهی دارد و احیانا به خود اجازه می‌دهد درباره آنها اظهارنظر کند؛ غافل از اینکه هریک از این مسائل محتاج بررسی و مطالعه مخصوص است و این مطالعه و بررسی به‌خصوص درباره شهر تهران باید مستمر و دائم باشد؛ زیرا در اینجا همه چیز با سرعت عجیبی دستخوش تغییر و تحول است و صورت‌مسئله از آنچه ۲۰ یا حتی ۱۰ سال یا پنج سال پیش بود، به‌کلی عوض می‌شود». این برای اولین بار است که مسائل مختلف شهر تهران در یک سمینار طرح می‌شود و بسیار مرکز توجه قرار می‌گیرد و مباحث این سمینار در روزنامه اطلاعات در روزهای سه‌شنبه چهارم و شنبه هشتم اردیبهشت ۱۳۴۱ درج می‌شود. باید توجه داشت که در آن زمان این روزنامه مهم‌ترین رسانه عمومی در کنار رادیو محسوب می‌شد و درج چنین گزارشی، آن‌هم در صفحه نخست دو شماره از این روزنامه، حکایت از اهمیت موضوع می‌کرد. مهم‌ترین موضوعاتی که این روزنامه از سمینار منعکس می‌کند، به این شرح هستند:

• تمرکزگرایی در تهران: در آخرین جلسه سمینار مسائل اجتماعی تهران اعلام شد با تمرکز کلیه امور در پایتخت، تهران سراسر ایران را می‌بلعد. ۶۷ درصد دارندگان تحصیلات عالیه، یک‌سوم کارخانه‌ها و قسمت عمده بودجه مملکتی در تهران متمرکز شده‌اند و هزینه زندگی در تهران ۶۰ درصد از کلیه شهرستان‌های کشور گران‌تر است.

• مسائل تهران: در مرکز تهران جزیره‌ای از فقر به چشم می‌خورد. از ۱۷۰ خودکشی که در ایران صورت می‌گیرد، ۱۱۹ خودکشی مربوط به تهران است. بی‌کاری، بی‌غذایی و فقر، مشکل قسمتی از مردم تهران است. مردم روستاها به دنبال این شایعه پوچ به تهران می‌آیند که کوچه‌های تهران را از طلا فرش کرده‌اند.

• ترکیب نیروی انسانی دولت: فقط هفت درصد از مجموع کارمندان دولت دارای تحصیلات فوق‌لیسانس هستند و یک‌دهم جمعیت ایران را خانواده‌های کارکنان دولت تشکیل می‌دهند. در برابر هر ۱۳ کارمند مرد، یک کارمند زن در ادارات مشغول کار است.

گزارش کامل این سمینار در سال ۱۳۴۳ با عنوان «سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران» از طرف مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی منتشر شد. بر اساس محتویات این گزارش، مهم‌ترین مباحثی که در این سمینار شش‌روزه مورد بحث قرار گرفت، حسب روزهای برگزاری آن به شرح زیر هستند:

روز نخست به موضوع شهرسازی و مسائل یک شهر بزرگ، تاریخچه تحولات شهر تهران در صد سال گذشته، مسائل حقوقی امور شهر، قیمت زمین و بورس‌بازی و ترکیب جمعیت شهر تهران توجه شد. در روز دوم، مسائل سازمان‌های خدمات عمومی شهر تهران مانند برق، آب، تلفن، اتوبوسرانی، پیشنهاد طرح برای حل مشکل عبور و مرور در خیابان‌های شهر تهران، ارائه طرح‌های مختلف مانند طرح عمرانی تهرانپارس، طرح عمرانی عودلاجان، طرح عمرانی مرکزی و مسائل معماری شهر تهران طرح شد. در روز سوم به موضوع مسکن پرداخته شد و موضوعاتی همچون تعریف مسکن شهری و انواع مختلف آن، انواع معماری شهر تهران، کرایه مسکن در تهران، مسائل حقوقی قوانین مالکیت مشترک و سیاست اعتبارات رهنی در تکمیل سیاست کلی عمران شهر به بحث گذاشته شد. روز چهارم اختصاص به موضوع ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های زندگی در شهر تهران داشت؛ از انواع بزهکاری‌ها و انحرافات مانند اعتیاد و... نام برده شد و مسائلی مانند افزایش جرم جوانان، کلاهبرداری و چک بی‌محل در تهران محل بحث قرار گرفت. روز پنجم به مسائل شهرداری توجه شد؛ مباحثی مانند تشکیلات اداری شهرداری، ضرورت تشکیل انجمن‌های شهر، قانون شهرداری‌ها و رابطه میان مردم و شهرداری طرح شد و کمبود تعداد افراد تحصیل‌کرده در شهرداری تهران هم مرکز توجه قرار گرفت و بالاخره در روز ششم، در آخرین روز سمینار، به موضوع عمران شهر تهران و عمران شهرستان‌ها و رابطه میان این دو توجه شد و مسئله اختلاف رشد و توسعه مناطق کشور و راه ترمیم آن مورد بحث قرار گرفت؛ مسئولان و متخصصان راهکار پیشنهادی «عمران منطقه‌ای» و جلوگیری از تمرکز شدید در تهران را به بحث گذاشتند. نگاهی به افراد شرکت‌کننده در سمینار، سمت‌ها و تخصص‌های آنها نشان می‌دهد هریک در حوزه کاری خود از صاحب‌نظران و محققان برجسته آن روزگار به شمار می‌رفته‌اند؛ آدم‌هایی مثل علی‌اکبر سیاسی، غلامحسین صدیقی، مهدی بازرگان، جمشید بهنام، ایرج اعتصام، هوشنگ سیحون و علی‌محمد کاردان از سخنرانان بودند. از دولتی‌ها می‌توان به وزیر کشور، رئیس اتحادیه شهرداری‌های ایران، شهردار تهران، رؤسای ادارات آب، برق، بانک رهنی و مانند اینها نام برد. در مجموع دو آورده مهم آن سمینار، طرح جامع تهران و طرح آمایش سرزمین بود که در سال‌های بعد دولت آنها را تهیه کرد و چه‌بسا اگر آن اقدامات نبود، وضعیت امروز تهران و جایگاه آن در پهنه سرزمین ایران با پیچیدگی‌ها و مشکلات بیشتری مواجه بود.

اکنون با گذشت ۶۰ سال از آن سمینار مهم و تأسف از تکرارنشدن آن، می‌توان به تهران نگاه کرد. تقریبا مسائل ذکرشده در گزارش سمینار، به جای خود باقی است؛ حتی برخی مانند مسئله مسکن، بورس‌بازی زمین و آسیب‌های اجتماعی ابعادی غول‌آسا پیدا کرده است. شاید لازم باشد بار دیگر مقامات، محققان و صاحب‌نظران دانشگاهی، بزرگان بخش خصوصی و نمایندگان مردم و تشکل‌های مدنی در چارچوب چنان سمیناری دور هم جمع شده و برای حل مسائل تهران فکری بکنند.

زنان

چرا زنان از داوری‌های عکاسی حذف می‌شوند؟

یلدا معیری
عکاس

در سال‌های اخیر توجه به هنر عکاسی در میان مردم افزایش چشمگیری داشته است. پیشرفت دوربین‌های موبایل‌ها یکی از مهم‌ترین عللی است که در این زمینه تأثیرگذار بوده است. همچنین توجه بیشتر به تصویر و دوری از متن سبب شده است بسیاری از مردم علاقه بیشتری به دیدن داشته باشند تا خواندن. در این میان رشد رشته عکاسی در دانشگاه‌ها سبب شده تا تعداد بیشتری از جوانان جذب این رشته هنری شوند که حداقل نصف آنها را زنان تشکیل می‌دهند. در ۱۰ سال گذشته جشنواره‌های عکاسی رشد چشمگیری داشته است. جشنواره‌هایی که بیشترین مخاطب را در بین عکاسان آماتور و حرفه‌ای از زنان داشته و کمترین استفاده را در قسمت‌های مهم و تأثیرگذار از آنان کرده است. آمار مشخص و قطعی‌ای در این زمینه در دسترس نیست اما به گفته بسیاری از عکاسان موفق که سابقه شرکت در بسیاری از جشنواره‌های ملی و منطقه‌ای را دارند، تنها در ۱۰ درصد آنها از داوران زن استفاده شده است!

این در حالی است که جای زنان در بسیاری از مسترکلاس‌ها و ورکشاپ‌های عکاسی‌ای که در حاشیه این جشنواره‌ها برگزار می‌شود نیز به عنوان مدرس خالی است. گویی زنان تنها به عنوان شرکت‌کننده اجازه حضور دارند. بسیاری از جشنوارهای مهم که در شهرهای اصلی و تأثیرگذار ایران برگزار می‌شوند موانع و باورهای سنتی را به عنوان عاملی برای این ممانعت اعلام کرده‌اند. این را جدا کنیم از جشنواره‌هایی که به دلیل متولیان ایدئولوژیک اصولا قانونی نانوشته بر عدم حضور زنان داشته‌اند و در هیچ دوره‌ای از داوران زن استفاده نکرده‌اند با اینکه بسیاری از زنان با پوشش‌های کامل و رعایت کامل موازین عرفی و شرعی در چنین رویدادهایی حضور می‌یابند.

عده‌ای نیز نبود زنان متخصص در امر داوری عکس را علت این فقدان می‌دانند که دلیل قابل تأملی است اما باید در نظر داشت داوری عکس پروسه‌ای است که بسیار وابسته به تکرار و تمرین است. بسیاری از آقایان همکار با ممارست در این کار آن را آموخته‌اند و تجربه لازم را کسب کرده‌اند تا جایی که اکنون داورانی حرفه‌ای و صاحب‌نام شده‌اند.

اخیرا اما بدعتی پایه‌گذاری شده که مسئولان وزارت ارشاد در بسیاری از جشنواره‌ها که اتفاقا با عناوینی چون (زنان، خانواده و ...) برگزار می‌شود، داوران زن را به دلیل جنسیت آنها حذف می‌کنند و از آنجایی که بسیاری از این جشنواره‌ها به دلیل مشکلات مالی وابسته به وزارت ارشاد هستند و بخش خصوصی توان برگزاری آنها را به تنهایی ندارد به این تصمیم گردن می‌نهند!

از آنجایی که حذف نیمی از جامعه ایران از رویدادهای فرهنگی و هنری امکان‌پذیر نیست و این امر در نهایت به آسیب فرهنگی منجر می‌شود به یک حرکت جمعی و حمایتگرانه نیاز داریم تا برای همیشه به این تبعیض پایان داده شود. بی‌شک این حرکت بدون مشارکت آقایان امکان‌پذیر نیست. شاید باید در بسیاری از این جشنواره‌ها داوری را نپذیرند تا این تبعیض سیستماتیک پایان یابد. تجربه ثابت کرده است برایند نظرات هر دو جنس مؤنث و مذکر در دستیابی به یک نتیجه ایدئال نتیجه‌بخش است. گاهی برای رسیدن به عدالت باید از منفعت‌های شخصی گذشت.

چه خبر؟

ایسنا: احمد طالبی‌نژاد گفت: «من با حفظ حرمت فراوان برای خانم محمدی‌فر (همسر مهرجویی و فیلم‌نامه‌نویس برخی آثار او) معتقدم که متأسفانه از زمانی که اختیار فیلم‌نامه‌ها در دست ایشان قرار گرفت، فیلم‌های مهرجویی از آن جایگاه رفیعی که داشت، پایین آمد. تنها اثری که بعد از فیلم بلاتکلیف و ضعیف «میکس» و نیز «بمانی» ارزشمند شد، «مهمان مامان» است که آن هم محصول نگارش مثلث مهرجویی، مرادی‌کرمانی و خانم محمدی‌فر است، بعد از آن تقریبا شاهد سقوط هستیم و به نظرم نتیجه این همکاری مثبت نشده است؛ بنابراین به این سینماگر بزرگ و فرهیخته توصیه می‌کنم خودش بر فیلم‌نامه متمرکز شود چون تا حد زیادی می‌توان گفت هیچ‌کدام از کارهای مشترک او چندان اقناع‌کننده نیستند».

رویترز: فرانچسکو روکا، رئیس فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های هلال احمر گفت: «فکر نمی‌کنم تفاوتی بین فردی که از منطقه دونباس در شرق اوکراین فرار می‌کند و فردی که از گروه افراطی بوکوحرام در نیجریه فرار می‌کند، وجود داشته باشد. با کسانی که از خشونت می‌گریزند، کسانی که به دنبال حمایت هستند، باید به طور یکسان رفتار شود. ما امیدوار بودیم بحران اوکراین نقطه عطفی در سیاست‌های مهاجرتی اروپا باشد، اما متأسفانه این‌طور نبود. ۲۷ عضو اتحادیه اروپا هنوز رویکردهای متفاوتی در قبال مهاجرت در مرز شرقی آن و از سمت اوکراین و همچنین از سمت مرز جنوبی خود و از سمت دریای مدیترانه اعمال می‌کنند».

یورونیوز: رسانه‌های دولتی کره‌شمالی ضمن اعلام ابتلای نزدیک به یک‌ونیم میلیون نفر به «تب» از افزایش توزیع دارو توسط پزشکان ارتش این کشور خبر دادند. کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی که پیش‌تر دستور قرنطینه سراسری در این کشور را صادر کرده بود تا بلکه از سرعت گسترش این بیماری در بین جمعیت واکسینه‌نشده کره‌شمالی کاسته شود، با ناموفق خواندن نحوه برخورد مقامات بهداشتی این کشور با شیوع این بیماری، ارتش را به میدان مبارزه با آن وارد کرد.

مقامات این کشور کارزارهای آگاهی‌بخشی به مردم از طریق رسانه‌ها را به راه انداخته‌اند و کارخانه‌های داروسازی نیز تولیدات خود را افزایش داده‌اند.

نقد هفته

آب در هاون کوبیدن

امیر عربی
چشم‌پزشک

بعد از چند سال که از طرح سهمیه منطقه محروم در پذیرش دستیاران رشته‌های مختلف پزشکی می‌گذرد، در بعضی استان‌ها هیچ نشانه‌ای از حل مشکل کمبود پزشک رؤیت نمی‌شود. در همین شش ماه گذشته نگارنده این متن در دو استان بزرگ کشور از نزدیک با یک مورد عجیب روبه‌رو شده است. استان‌هایی که با توزیع عجیب و غریب نیروی متخصص، بسیاری از شهرهای خود را خالی گذاشته و از سوی دیگر در مرکز استان و بعضی شهرهای به‌اصلاح اکازیون‌تر تا هفت متخصص از یک رشته را جا داده‌اند. این موضوع بار دیگر به وضوح ثابت می‌کند که هر چقدر سیاست‌های کلان، کارشناسانه و درست طراحی شوند، مجریان خرد به جای اجرای قانون همان کار همیشگی را می‌کنند؛ خدمت به باند محلی خود به جای پاسخ‌گویی به مقامات بالاتر؛ مصداق روشن آب در هاون کوبیدن. بی‌تفاوتی بعضی مدیران استانی نسبت به مردم محروم خود چنان شدید و عمیق است که باورش سخت است که این مدیر از همین استان رشد کرده و پرورش یافته. در یکی از استان‌ها از تعداد ده‌ها متخصص سهمیه محروم در رشته‌های مختلف که در سال‌های اخیر فارغ‌التحصیل شده بودند، بخش اعظمی در مرکز استان عضو هیئت‌علمی شده بودند، بعضی هیئت‌علمی دانشگاه‌های تهران بودند و از همه جالب‌تر اینکه عده‌ای اصلا ایران نبودند. چه طنزی تلخ‌تر از اینکه اگر سهمیه محروم نبود و موج‌سواری بر بدبختی مردم استان اتفاق نمی‌افتاد، رؤیای تحصیل در رشته‌های لوکس تخصصی برای خیلی‌ها دست‌نیافتنی می‌شد. انتخاب نوع سهمیه توسط این پزشکان کاملا با علم از نوع تعهدات صورت گرفته است و اینکه بعد از فراغت از تحصیل یادشان بیفتد نباید در شهری محروم سال‌های شیرین عمرشان را بگذرانند چیزی جز پشت پا زدن به حق‌الناس نیست. با توجه به این مناسبات استانی و نبود نظارت و حسابرسی، آیا واقعا طرح افزایش ظرفیت با محوریت بومی‌گزینی و اولویت‌سنجی مناطق محروم گرهی از کار مردم باز می‌کند؟ واقعا رئیس دانشگاه‌های علوم پزشکی برایشان سؤال پیش نمی‌آید که متخصصان سهمیه مناطق محرومشان پس از پنج، شش سال از تصویب این طرح، کجا مشغول هستند که دو شهر محوری ولی محروم استانشان حتی یک چشم‌پزشک هم ندارد تا مردمشان مجبور شوند جان‌برکف، جاده‌های استان را گز کنند؟ لذا به نظر آنچه بیش از همه لازم است، تغییر ساختار انتصابات استانی است تا یا مدیر رأسا از وزارت انتخاب شود یا حداقل از یک استان دیگر باشد، تا شاید یک مدیر غیربومی بیشتر برای مردم استان‌های محروم دل بسوزاند.